



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیهما صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# سیمای ارواح از نگاه

سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

روح ما بین حضرت آیت الله العظمی  
آقای حاج شیخ گلستانه مدنی کلمه پیکانی اندوخته

دریافت کنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از نگاه آفتاب: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله  
ه صافی گلپایگانی<sup>ه</sup>

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	از نگاه آفتاب: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	سخن ناشر
۱۴	فهرست مطالب
۱۶	فصل اول: سرور جوانان
۱۸	فصل دوم: او از من است
۱۸	اشاره
۱۹	خدا او را دوست دارد
۲۰	او را می بوسید
۲۱	او را دوست دارم
۲۲	گریه مکن!
۲۴	فصل سوم: ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۴	اشاره
۲۵	ظهور مهربانی
۲۶	روی سینۀ پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۷	بوسۀ شیرین پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۸	بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۰	فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۲	فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ
۳۴	فصل ششم: در جوار آفتاب
۳۶	فصل هفتم: کیست او را باری کند؟
۳۶	اشاره

۳۶	..... او را واگذارند
۴۰	..... فصل هشتم: صاحبان بهشت
۴۲	..... فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام
۴۲	..... اشاره
۴۲	..... نهمین فرزند
۴۴	..... فصل دهم: میوه درخت نبوت
۴۶	..... فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله
۴۸	..... فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا
۴۸	..... اشاره
۴۸	..... حسین یعنی چه ؟
۵۰	..... فصل سیزدهم: وارث آفتاب
۵۰	..... اشاره
۵۲	..... ارثیه پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۴	..... فصل چهاردهم: اشک پیامبر صلی الله علیه و آله بر حسین علیه السلام
۵۴	..... اشاره
۵۵	..... خاک سرخ
۵۵	..... صبور باش!
۵۶	..... اینجا کربلاست
۵۷	..... تربت خونین
۵۸	..... کتاب نامه
۶۴	..... آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه
۷۳	..... درباره مرکز

## از نگاه آفتاب: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

### مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله

عنوان و نام پدیدآور: از نگاه آفتاب: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله / لطف الله صافی گلپایگانی؛ به کوشش محمدصادق منتظری، احمد کریمی.

مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی، 1393

وضعیت ویراست: ویراست 2.

مشخصات ظاهری: 64 ص.

شابک: 5-86-105-5-600-25000978: ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب نامه؛ ص 51؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

موضوع: محمد صلی الله علیه و آله پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. -- احادیث.

موضوع: واقعه کربلا، 61 ق.

شناسه افزوده: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی

رده بندی کنگره: 4 1393 الف 2 ص / BP 41/4

رده بندی دیویی: 297/953

ص: 1

اشاره







سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله

عنوان و نام پدیدآور: از نگاه آفتاب: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله / لطف الله صافی گلپایگانی؛ به کوشش محمدصادق منتظری، احمد کریمی.

مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی مدظله العالی، 1393

وضعیت ویراست: ویراست 2.

مشخصات ظاهری: 64 ص.

شابک: 5-86-5105-600-25000978: ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب نامه؛ ص 51؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله

موضوع: محمد صلی الله علیه و آله پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. -- احادیث.

موضوع: واقعه کربلا، 61 ق.

شناسه افزوده: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی

رده بندی کنگره: 4 1393 الف 2 ص / BP 41/4

رده بندی دیویی: 297/953

شماره کتابشناسی ملی: 3618424

دفتر تنظیم و نشر آثار

نام کتاب: از نگاه آفتاب (سیمای امام حسین علیه السلام در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله)

مؤلف: حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی مدظله الوارف

به کوشش: محمدصادق منتظری / احمد کریمی

چاپ سوم (ویراست دوم): ذی الحجہ 1435 / پاییز 1393

شمارگان: 5000

بها: 2500 تومان

شابک: 978-600-5105-86-5

سایت الکترونیکی: [www.saafi.net](http://www.saafi.net)

پست الکترونیکی: [saafi@saafi.net](mailto:saafi@saafi.net)

آدرس پستی: قم / انقلاب 6 / پلاک 181

تلفن: (025) 37723380

ص: 4

پیرامون شخصیت والای سید شهیدان، امام حسین علیه السلام، بسیار گفته اند و بسیار شنیده ایم؛ اما عمق و کیفیت و ابعاد شناخت اگر «از نگاه آفتاب» سیدالأوصیا و خاتم الأنبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، باشد بدون شک بسیار فراگیر و تأثیرگذارتر است.

این کتاب با قلمی روان و گیرا به ترسیم جایگاه و موقعیت ممتاز حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نزد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می پردازد.

از نگاه آفتاب در 14 فصل و با عناوینی چون: «سَرور جوانان»، «او از من است»، «ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله»، «صاحبان بهشت»، «معیار بهشت و دوزخ»، «وارث آفتاب»، «اشک پیامبر صلی الله علیه و آله بر حسین علیه السلام» و... تنظیم گردیده است.

از نگاه آفتاب گامی در جهت بازشناخت و معرفت بیشتر و نظام مند به ساحت مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. مطالعه آن را به همه تشنگان معارف اهل بیت علیهم السلام به ویژه جوانان عزیز، توصیه می کنیم.

مرکز تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی



## فہرست مطالب

فصل اول: سرور جوانان 9

فصل دوم: او از من است 11

خدا او را دوست دارد 12

او را می بوسید 13

او را دوست دارم 14

گریه مکن! 15

فصل سوم: ریحانہ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ 17

ظہور مہربانی 18

روی سینہ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ 19

بوسہ شیرین پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ 20

بر دوش پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ 21

فصل چہارم: شرط دوستی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ 23

فصل پنجم: معیار بہشت و دوزخ 25

فصل ششم: در جوار آفتاب 27

فصل ہفتم: کیست او را یاری کند؟ 30

او را واگذارند 30

ص: 7

فصل هشتم: صاحبان بهشت 34

فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام 36

نهمین فرزند 36

فصل دهم: میوه درخت نبوت 38

فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله 40

فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا 42

حسین یعنی چه؟ 42

فصل سیزدهم: وارث آفتاب 44

میزان اعتدال 45

ارثیه پیامبر صلی الله علیه و آله 47

فصل چهاردهم: اشک پیامبر صلی الله علیه و آله بر حسین علیه السلام 49

خاک سرخ 50

صبور باش! 50

اینجا کربلاست 51

تربت خونین 52

کتاب نامه 53

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه 59

ص: 8

## فصل اول: سرور جوانان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: فرشته ای آسمانی که مرا دیدار نکرده بود از خدا برای زیارتم اذن خواست، پس به من مژده داد که:

«إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛<sup>(1)</sup>

«دخترم فاطمه سرور زنان بهشت است و حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت می باشند».

و در بعضی روایات این جمله نیز، از پیامبر صلی الله علیه و آله مذکور است:

«وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»؛<sup>(2)</sup>

«و پدرشان از آنها بهتر است».

ص: 9

- 
- 1- طوسی، الامالی، ص 85؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 37، ص 39
  - 2- حمیری قمی، قرب الاسناد، ص 111؛ ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص 119؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 39، ص 90.





رسول خدا صلی الله علیه و آله حسنین علیهما السلام را بسیار دوست می داشت و نسبت به آنها فوق العاده اظهار علاقه و عطوفت می کرد. روایات و تواریخ بر این اتفاق دارند که آن حضرت صلی الله علیه و آله نسبت به علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام از تمام مردم و نزدیکان خود اظهار مودت بیشتری می نمود. دوستی آنها یک دوستی ساده پدر نسبت به فرزند نبود؛ بلکه ریشه در علائق، مبانی عمیق و یگانگی روحی داشت؛ نشانه یک اتحاد و اتصال ناگسستگی معنوی و توافق کامل فکری بود؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

«أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ»؛<sup>(1)</sup>

«من با هرکس که با شما در صلح و سازش باشد در صلح و سازش، و با هرکس که با شما در جنگ و نبرد باشد در جنگ و نبرد هستم».

یک اتصال واقعی روحی، و همفکری تمام عیار و یگانگی خالص، لازم است تا پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را این گونه شرح دهد.

جمله

«أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ» صریح در این است که طرز تفکر، سلوک و روش آنها با سلوک و روش پیغمبر صلی الله علیه و آله یکی است، و هیچ گونه تفاوتی ندارد. کردار، رفتار، جنگ و صلح آنها دقیقاً همان کردار، رفتار، جنگ و صلح رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

ص: 11

---

1- ابن ماجه قزوینی، سنن، ج 1، ص 52؛ ترمذی، سنن، ج 5، ص 360؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 3، ص 40.

زمانی که این اخبار را مطالعه می کنیم و از شدت علاقه و دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام آگاه می شویم، نباید فراموش کنیم که گوینده این کلمات و الفاظ، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله است. او کسی است که در دوره زندگانی با گزافه گویی، سخنان دور از حقیقت و مدح بیجا مبارزه داشت؛ سخنان و کارهایش برای بشر حجت، قانون و شریعت بود و آنچه فرمود، ترجمان حقیقت است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله غیر از فاطمه علیها السلام دختران دیگر، و غیر از علی علیه السلام نیز عموزاده ها و خویشاوندان بسیاری داشت، پس چرا این همه اظهار علاقه و محبت، مخصوص فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و فرزندان آنها بود؟ و چرا پیغمبر صلی الله علیه و آله از میان همه کسان و اصحاب خود، آنها را برگزید؟ زیرا این چهار تن نماینده صفات، روحیات، اخلاق و کمالات او بودند.

### **خدا او را دوست دارد**

از جمله احادیثی که از دوستی و علاقه پیغمبر صلی الله علیه و آله حکایت می نماید، حدیث یعلی بن مرّه است. اصحاب در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله به مجلس میهمانی رهسپار شدند؛ ناگاه به حسین علیه السلام برخورد نمودند که در کوچه، بازی می کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله جلوی همراهان رفت و دست های خود را گشود، کودک از این سوی به آن سوی می گریخت و پیغمبر صلی الله علیه و آله او را می خندانید تا وی را گرفت؛ پس یک دست بر زیر چانه حسین علیه السلام و دست دیگر را پشت سر او گذارد و او را بوسید و فرمود:

«حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ»؛(1)

«حسین از من است و من از حسینم. خدا دوست دارد کسی را که حسین را دوست داشته باشد. حسین، سبطی از اسباط است».

و نیز همین حدیث شریف را بخاری(2)، ترمذی(3)، ابن ماجه(4) و حاکم(5) به این لفظ روایت می نمایند.

بعد از آنکه شرباصی از قاموس نقل می کند که:

«حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ: امَّةٌ مِنَ الْأُمَّمِ».

می نویسد: معنای «سبط»، جماعت و قبیله است و شاید معنای حدیث این باشد که حسین در رفعت و بلندی مقام، مرتبه یک امت را دارد؛ یا اینکه اجر و ثواب کاری که از او صادر شده به اندازه اجر یک امت است».(6)

### او را می بوسید

پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام می فرمود:

ص:13

- 
- 1- ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج 7، ص 515؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 3، ص 33؛ ج 22، ص 274.
  - 2- بخاری، الادب المفرد، ص 85.
  - 3- ترمذی، سنن، ج 5، ص 324.
  - 4- ابن ماجه قزوینی، سنن، ج 1، ص 51.
  - 5- حاکم نیشابوری، المستدرک، ج 3، ص 177.
  - 6- شرباصی، حفیده الرسول، ص 40.

«أَدْعِي لِي إِنْ تَيَّ فَيَسْمُهُمَا وَيَصْمُهُمَا إِلَيْهِ»؛ (1)

«پس‌هایم را برایم بخوان (صدایشان کن تا پیش من بیایند) پس آنها را می‌بویید و به خود می‌چسبانید».

## او را دوست دارم

در آثار دوستی حسین علیه السلام همین بس که خاتم پیامبران فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ حُسَيْنًا فَأَحِبَّهُ، وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ»؛ (2)

«خدایا! من حسین را دوست می‌دارم، پس دوست بدار او را و هرکس که او را دوست می‌دارد».

ابن ابی شیبیه نیز از آن حضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَأَحِبَّهُمَا وَأَبْغِضْ مَنْ يُبْغِضُهُمَا (أَبْغِضَهُمَا)»؛ (3)

«خدایا! من حسن و حسین را دوست می‌دارم، پس دوست بدار آنها را، و دشمن بدار هرکس که آنها را دشمن می‌دارد».

ابوالحسن بن ضحاک از ابوهریره روایت می‌کند که، گفت:

ص: 14

---

1- ابویعلی موصلی، مسند، ج 7، ص 274؛ ترمذی، سنن، ج 5، ص 323؛ مغربی، شرح الاخبار، ج 3، ص 113؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 122-123.

2- مناوی، کنوزالحقائق، ج 1، ص 44.

3- ابن ابی شیبیه کوفی، المصنف، ج 7، ص 511 513؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 3، ص 49؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج 2، ص 71.

رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَمْتَصُّ لِعَبَابِ الْحُسَيْنِ كَمَا يَمْتَصُّ الرَّجُلُ الثَّمْرَةَ؛ (1)

دیدم رسول خدا، آب دهان حسین را می مکید همان گونه که مرد، خرما را می مکد.

### گریه مکن!

در حدیث است که پیغمبر صلی الله علیه و آله از خانه عایشه بیرون آمد. پس از کنار خانه فاطمه علیها السلام عبور کرد، صدای گریه حسین علیه السلام را شنید و فرمود:

«أَلَمْ تَعْلَمِي أَنَّ بُكَاءَهُ يُؤْذِينِي»؛ (2)

«آیا نمی دانی گریه او مرا آزار می دهد».

ص: 15

- 
- 1- صالحی شامی، سبیل الهدی و الرشاد، ج 11، ص 72؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج 11، ص 303؛ ج 19، ص 371.
  - 2- طبرانی، المعجم الكبير، ج 3، ص 116؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 14، ص 171؛ طبری، ذخائر العقبی، ص 143؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 201.



یکی از مظاهر محبت و عاطفه پدر و مادر، نسبت به فرزند، بوسیدن اوست. در جاهلیت، و پیش از ظهور آفتاب درخشان هدایت اسلام، ارزش عاطفه و احساسات پاک انسانی مخصوصاً در بین عرب ها از میان رفته بود. رحم، مهر، رأفت، رحمت و رقت قلب را یک نوع ضعف نفس شمرده و سنگدلی را افتخار می دانستند. وحشتناک ترین مظهر قساوت قلب و سقوط عواطف، همان زنده به گور کردن دختران بود. پدرها با دست خود دختران خود را زنده در گور می کردند.

بوسیدن فرزند، و اظهار عاطفه نسبت به او عار و ننگ شمرده می شد، به ویژه اگر فرزند، دختر بود. اگر کسی فرزند خود را می بوسید دیگران از کار او متعجب می شدند.

گردن کشان و متکبران، بوسیدن طفل و به دوش سوارکردن او را به دور از ابهت و حشمت می دانستند. اینان باریاکاری و تشریفات، خود را در نظر مردم بزرگ نشان می دادند.



رحمة للعالمین، محمد صلی الله علیه و آله از ریا و نفاق، مبرا بود و مانند یک فرد عادی زندگی می کرد. بسط رحمت، مهر، احسان، محبت نسبت به همه مردم، بشردوستی، ایثار و هدایت عقل و احساسات، جزء برنامه های مهم دعوت او بودند.

همان گونه که نسبت به مردم، مظهر تمام و کمال عواطف عالی انسانی بود، عاطفه پدرانه اش نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان او نیز در حد کمال بود. وجود حسن و حسین علیهما السلام را امتداد وجود خود، و بقا و زندگی آنها را بقای زندگی خود می دید.

دکتر بنت الشاطی، بانوی دانشمند مصری و استاد دانشگاه عین الشمس در مورد شدت حُب و عاطفه پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به فرزندان دختر عزیزش زهرا علیها السلام فصل بلیغی نگاشته و در ضمن آن می نویسد:

پیغمبر صلی الله علیه و آله از روزی که به مصیبت مرگ خدیجه علیها السلام، یگانه همسر عالی قدرش مبتلا شد تا سال سوم هجرت غیر از ابراهیم - که او هم عمر کوتاهی داشت - صاحب فرزندی نشد، و در مدت هفده سال بعد از خدیجه علیها السلام با اینکه با زنان متعدّد، ازدواج نمود، اما هیچ یک را از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرزندی روزی نگشت.

بر همه آشکار بود که نسل پیغمبر صلی الله علیه و آله باید از فاطمه زهرا علیها السلام باقی بماند پس تعجّبی ندارد اگر دل پیامبر صلی الله علیه و آله از حُب و مهر فرزندان فاطمه علیها السلام پر باشد و با تمام وجود به آنها عشق بورزد. دل نبی صلی الله علیه و آله برای دو فرزند عزیز فاطمه علیها السلام گشوده شد، و آنها را به تمام عاطفه پدرانه ای که دل بزرگ و وسیع او داشت فرا گرفت، و به آنان انس یافت.

نام حسن و حسین علیهما السلام برای او آهنگ خوش و صدای دلنوازی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله از تکرار آن خسته نمی شد؛ آنها را پسران خود می خواند، و باینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله خارج از خانه فاطمه علیها السلام می زیست اما دلش در خانه زهرا سیر می کرد.

خداوند، زهرا علیها السلام را به نعمتی بسیار بزرگ برگزید. با عنایت پروردگار، ذریه پیغمبر صلی الله علیه و آله منحصر در فرزندان زهرا علیها السلام شد. خدا علی علیه السلام را به این کرامت مخصوص گردانید که نسل خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله را در صلب او گذارد و از این شرف، عظمت جاودانی و پایداری و عزت همیشگی را به علی علیه السلام اختصاص داد.

زهرا علیها السلام از میان تمام دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله باقی ماند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندی داشته باشد که او را پدر بخواند، و فرزندان زهرا علیها السلام باقی ماندند تا پیغمبر صلی الله علیه و آله از تکرار نام شیرین و لفظ گوارای «پسرهایم» لذت ببرد. (1)

### روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله

ابوهریره می گفت: این چشم هایم دید و گوش هایم شنید که پیغمبر صلی الله علیه و آله هر دو دست حسین را گرفته بود و پاهای حسین بر روی پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

«تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ» (2)

ص: 19

---

1- بنت الشاطی، بنات النبی، ص 244-253 (ترجمه به اختصار و نقل به معنا).

2- (یعنی: برو بالا؛ کوچولوی من). همچنین ابن عساکر (تاریخ مدینه دمشق، ج 13، ص 194) از ابوهریره به این لفظ روایت کرده: «حزقه حزقه ترق عین بقة». «حزقه» (به فتح حاء و ضم زاء، یا به ضم هر دو) چنانچه در قاموس گفته به کسی گویند که به واسطه ضعف یا خردی و کوچکی، قدم هایش کوتاه و به هم نزدیک باشد. و «ترق» به معنای «اصعد» است یعنی بالا برو! و «عین بقة» چنانچه علایلی گوید، کنایه از کوچکی جسم و خردی جثه است. این جمله را عرب هنگام اظهار ملاطفت و مزاح با طفل و به نشاط آوردن او می گوید.

حسین بالا رفت تا پاهایش را بر سینه پیغمبر گذارد. پس پیغمبر فرمود: «دهان باز کن!»، پس بوسیدش و سپس گفت: «خدایا! او را دوست بدار؛ زیرا من او را دوست می دارم».

«اللَّهُمَّ أَحِبَّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ» (1).

علایلی می نویسد: «عین بَقَّه» کلمه ای است که در روح طفل، طراوت، سبکی و ملاحظت می آورد. (2)

### بوسه شیرین پیامبر صلی الله علیه و آله

پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را با آن بوسه شیرین و لذیذ می بوسید؛ چون جانش گنجینه معانی و حقایق بزرگ بود.

و آن گاه که می فرمود:

«اللَّهُمَّ أَحِبَّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ»؛

«خدایا! او را دوست بدار، زیرا من او را دوست می دارم».

گویی درحالی که به حسین علیه السلام اشاره می کرد به مردم می فرمود:

«أَنَا هُنَا»؛

«من اینجا هستم».

یعنی؛ مرا پیش حسین علیه السلام بجوید.

علایلی ادامه می دهد: فرق حَبِّ و عاطفه، این است که عاطفه کمتر از

ص: 20

---

1- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 1، ص 397-398؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 159؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 122.

2- علایلی، سموالمعنی، ص 76.

حُبّ بوده و شرایط محبّت در آن ملاحظه نمی شود، اما حُبّ زمانی هویدا می گردد که محبوب برگزیده باشد، و پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین را به حقیقت دوستی و حُبّ، دوست می داشت؛ زیرا حسین برگزیده او بود، و خدا حسین را دوست می داشت؛ زیرا که او شفق آفتاب نبوّت بود. (1)

### بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله

جمعی از اهل سنّت مانند ابن حجر عسقلانی (2) از ابوهریره، عبدالله و بغوی از شداد بن الهاد، و ابی نعیم در حلیه الاولیاء از ابن مسعود، و ابی حاتم از عبدالله (3)، و جابر و ابن ابی الفراء از انس؛ نوازش و اظهار محبّت پیغمبر صلی الله علیه و آله به حسن و حسین علیهما السلام را روایت کرده اند. (4)

از این احادیث استفاده می شود که آن حضرت صلی الله علیه و آله همیشه حسنین علیهما السلام را به دوش می گرفت؛ آنان در حال نماز و در حالات دیگر بر کتف آن حضرت صلی الله علیه و آله می نشستند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کمال لطف و مهربانی را نسبت به آنها ابراز می داشت. از بعضی از این احادیث، مانند «حدیث انس»، شدّت محبّت پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها و تویخ سخت نسبت به کسی که قدر و منزلت آنها را نشناسد، استفاده می شود.

ابوسعید در شرف النبوه (شرف المصطفی) روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که حسن و حسین علیهما السلام به سوی او آمدند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را دید

ص: 21

1- علایلی، سموالمعنی، ص 76-77

2- ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 2، ص 62.

3- طبری، ذخائرالعقبی، ص 123.

4- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج 4، ص 278.

به خاطر ایشان برخاست و آمدنشان را دیر شمرد (یعنی فرمود: دیر آمدید یا چرا دیر آمدید؟) پس از آنها استقبال کرد و آنها را بر دوش خود گذارد و فرمود:

«نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيئُكُمْ، وَنِعْمَ الرَّكِبَانِ أَنْتُمَا»؛<sup>(1)</sup>

«خوب مرکبی است مرکب شما، و خوب سوارهایی هستید شما!».

ص: 22

---

1- ابوسعید، شرف المصطفی، ج 5، ص 293؛ ر. ک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 158؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 130.

## فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله

احادیث در وجوب دوستی و موَدّت حسین علیه السلام متواتر است. از جمله این احادیث، حدیث نبوی زیر است:

«مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبِّ هَذَا»؛ (1)

«هرکس مرا دوست دارد باید این دو (حسن و حسین) را (نیز) دوست بدارد».

دولابی و احمد بن حنبل از یعلی بن مرّه روایت کرده اند که حسن و حسین علیهما السلام به سوی پیغمبر صلی الله علیه و آله آمدند در حالی که در تشرف به محضر جدّ بزرگوار خود از یکدیگر پیشی می جستند؛ یکی از ایشان، پیش از دیگری رسید؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله دست به گردن او انداخت و او را به سینه خویش چسباند و بوسید و سپس آن یکی را بوسید. آن گاه فرمود:

«إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَأَحِبُّوهُمَا»؛ (2)

«من ایشان را دوست می دارم، پس شما نیز ایشان را دوست بدارید».

ص: 23

---

1- ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، ج 7، ص 511؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 28؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 156،

154؛ ابن حجر عسقلانی، العصابه، ج 2، ص 63.

2- طبری، ذخائرالعقبی، ص 123.



## فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ

در روایت نبوی، معیار بهشت و دوزخ در گرو دوستی و دشمنی با دو دردانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ مَنْ أَحَبَّهُمَا فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فِي النَّارِ»؛<sup>(1)</sup>

«هرکس حسن و حسین را دوست بدارد در بهشت است، و هرکس آنها را دشمن بدارد در آتش است».

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: «مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛<sup>(2)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت، پس فرمود: «هرکس مرا دوست بدارد و دوستدار این دو و پدر و مادرشان باشد، در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود».

ص: 25

---

1- زرندی، نظم درالسمطين، ص 210؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج 10، ص 707.

2- احمد بن حنبل، مسند، ج 1، ص 77؛ ترمذی، سنن، ج 5، ص 305؛ دولابی، الذریه الطاهره، ص 167؛ طبرانی، المعجم الصغیر، ج 2، ص 70؛ همو، المعجم الکبیر، ج 3، ص 50؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 13، ص 196؛ ابن حجر، هیتمی، الصواعق المحرقة، ص 192.



طبرانی از سلمان نقل کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره حسن و حسین علیهما السلام فرمود:

«مَنْ أَحَبَّهُمَا أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّهُ اللَّهُ وَأَدْخَلَهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا أَوْ بَغَى عَلَيْهِمَا أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَنِي أَبْغَضَهُ اللَّهُ، وَأَدْخَلَهُ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»؛<sup>(1)</sup>

«هرکس حسن و حسین را دوست بدارد من او را دوست می دارم، و هرکس را من دوست دارم خدا او را دوست دارد، و او را داخل بهشت گرداند؛ و هرکس آنها را دشمن بدارد یا بر آنها ستم کند من او را دشمن دارم، و هرکس را من دشمن دارم خدا دشمن دارد و او را داخل جهنم سازد و برای او عذاب جاودان است».

ص: 26

---

1- طبرانی، المعجم الكبير، ج 3، ص 50؛ ر. ک: ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصبهان، ص 56؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 14، ص 156؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج 11، ص 57؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 12، ص 120-121.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می کنند که، پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود:

«إِنِّي وَإِيَّاكَ وَهَذَا الرَّاقِدَ - يَعْنِي عَلِيًّا - وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَفِي مَكَانٍ وَاحِدٍ»؛<sup>(1)</sup>

«من و تو و این کسی که خوابیده (یعنی علی) و حسن و حسین، روز قیامت در یک مکان می باشیم».

طبرانی از ابوموسی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي قُبَّةٍ تَحْتَ الْعَرْشِ»؛<sup>(2)</sup>

«من، علی، فاطمه، حسن و حسین روز قیامت در یک قبه در زیر عرش هستیم».

عمر بن خطاب نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 27

---

1- احمد بن حنبل، مسند، ج 1، ص 101؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج 3، ص 137؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 25؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج 26، ص 197-199.

2- مغربی، شرح الاخبار، ج 3، ص 3-4؛ جوینی خراسانی، فرائدالسمطين، ج 1، ص 49، ح 13؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج 2، ص 94؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 174؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 12، ص 100.

«أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةِ بَيْضَاءَ وَسَقْفِهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ»؛<sup>(1)</sup>

«من، علی، فاطمه، حسن و حسین در حظیره القدس در قبه سفیدی که سقف آن عرش رحمان است می باشیم».

ص: 28

---

1- جوینی خراسانی، فرائد السمطين، ج 1، ص 49، ح 14؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج 23، ص 376.

## فصل هفتم: کیست او را یاری کند؟

### اشاره

و جوب یاری امام حسین علیه السلام از احادیث بسیاری درک می شود. اگر سران مسلمانان، که حکومت یزید را شرعی نمی دانستند؛ مانند ابن زبیر، ابن عمر و دیگران، امام حسین علیه السلام را یاری کرده بودند تاریخ اسلام غیر از این بود که اکنون هست و اعتراض بزرگی که بر آن مردم وارد است، همین می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ ابْنِي هَذَا - يَعْنِي الْحُسَيْنَ - يُقْتَلُ بِأَرْضٍ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْهُمْ (مِنْكُمْ) فَلْيُنْصُرْهُ»؛ (1)

«به درستی که این پسر در زمینی از عراق که به آن کربلا گفته می شود کشته می گردد، پس هرکس (از شما) او را درک کند باید یاری اش رساند».

### او را واگذارند

خوارزمی در ضمن خبری طولانی نقل کرده که حسین علیه السلام به ابن عباس فرمود: «آیا می دانی که من پسر دختر رسول خدا هستم؟».

ص: 29

---

1- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 14، ص 224؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 8، ص 271؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 1، ص 271؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج 11، ص 75؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 12، ص 126.

عرض کرد: آری! غیر از تو کسی را نمی شناسم که پسر پیغمبر باشد، و یاری و نصرت تو بر این امت واجب است آن چنان که روزه و زکات واجب است که یکی از این دو بدون دیگری پذیرفته نشود.

حسین علیه السلام فرمود: «پس رأی تو چیست در حق مردمی که پسر دختر پیغمبر را از وطن و خانه و جایگاه و زادگاهش، و حرم رسول و جوار قبر پیغمبر و مسجد و محلّ هجرت آن حضرت، خارج نمودند؛ او را بیمناک و سرگردان گذاردند که قرارگاه، منزل و مأوایی نداشته باشد و قصدشان از این سختگیری ها کشتن او و ریختن خونش باشد در حالی که او شرکی به خدا نوززیده و غیر خدا را ولی امر خود قرار نداده و از روش پیغمبر و جانشینان او تخلف ننموده است؟».

ابن عباس گفت: نمی گویم در حق آنها مگر آنکه آن کسان، به خدا و پیغمبر، کافر شدند و اگر نماز بخوانند از روی کسالت و ریاکاری است و بر امثال این مردم عذاب بزرگ تر خدا نازل گردد؛ و اما تو، ابا عبدالله! پس تو سرسلسله افتخار و مباهاتی، تو پسر پیغمبر هستی، تو پسر وصی پیغمبر و فرزند زهرا می باشی، زهرایی که همانند مریم بود؛ پس ای پسر رسول خدا! گمان مبر که خدا از آنچه ستمکاران می کنند غافل است، و من گواهی می دهم که هرکس از مجاورت تو و مجاورت فرزندان تو کناره گیری کند در آخرت، نصیب و بهره ای نخواهد داشت.

حسین علیه السلام فرمود: «خدایا گواه باش!».

ابن عباس گفت: فدای تو شوم! گویا به من خبر از مرگ خودت می دهی و

از من می خواهی تو را یاری کنم! سوگند به خدایی که غیر از او خدایی نیست! اگر در پیش روی تو شمشیر بزنم تا شمشیرم بشکند و دست هایم قطع شود، اندکی از حق تو را ادا نکرده باشم. هم اکنون من حاضر به خدمت تو هستم هرگونه که صلاح می دانی، فرمان بده! (1)

این خبر طولانی است و در این مجال نمی گنجد اما در آغاز این خبر عبدالله بن عمر گفت، شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«حُسَيْنٌ مَقْتُولٌ فَلَيْتَ خَذَلُوهُ وَلَمْ يَنْصُرُوهُ لِيَخْذُلَنَّهُمُ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (2)

«حسین کشته می شود پس اگر او را وابگذارند، و یاری اش نکنند خدا آنها را تا روز قیامت یاری نخواهد کرد».

ص: 31

---

1- خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، ص 191 192، فصل 10؛ نیز رجوع کنید به: ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج 5، ص 24.

2- خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، ص 191، فصل 10؛ نیز رجوع کنید به: ابن اعثم کوفی، ج 5، ص 23-26.



## فصل هشتم: صاحبان بهشت

حاکم و ابن سعد از علی علیه السلام روایت کرده اند(1) که پیغمبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ»؛

«اول کسی که داخل بهشت می شود من، تو، فاطمه، حسن و حسین هستیم».

«قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: فَمَحَبُّونَا»؛

«علی عرض کرد: پس دوستان ما (چه)؟».

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مِنْ وَرَائِكُمْ»؛

«به دنبال شما وارد می شوند».

ص: 33

---

1- حاکم نیشابوری، المستدرک، ج 3، ص 151؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 123؛ طبری، بشاره المصطفی، ص 84؛ ر. ک: ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص 153؛ قندوزی، ینایع الموده، ج 2، ص 445.





### اشاره

حذیفه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبَقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ كَأَسْمِي. فَقَالَ سَلْمَانُ مِنْ أَيِّ وُلْدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «مِنْ وُلْدِي هَذَا» وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ»؛ (1)

«اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی سازد تا مردی از فرزندانم را برانگیزد که همنام من است». آن گاه سلمان عرض کرد: از کدام فرزندان توست یا رسول الله؟ فرمود: «از این فرزندم!» و دستش را بر حسین زد.

### نهمین فرزند

سلمان می گوید: بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شدم درحالی که حسین بر زانوی مرحمت او بود. پیغمبر به او روی می کرد و دهان او را می بوسید و

ص: 35

---

1- طبری، ذخائرالعقبی، ص 136-137؛ اربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 269 268؛ ر. ک: مجلسی، بحارالانوار، ج 51، ص 80 79؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج 2، ص 210؛ ج 3، ص 386 385. بیش از 180 حدیث بر این مضمون دلالت دارد. ر. ک: منتخب الأثر، تألیف نگارنده، باب 8، فصل 2.

می فرمود: «تو آقا، پسر آقا و پدر آقایانی! تو امام، پسر امام و پدر امامانی! تو حجّت، پسر حجّت و پدر حجّت های نه گانه ای که از صُلب تو هستند و نهمین ایشان قائم آنها است».(1)

حموینی در حدیثی مفصل و طولانی از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: حسن و حسین دو امام امت من بعد از پدرشان و دو آقای جوانان اهل بهشت هستند. مادرشان سیده زنان جهانیان، و پدرشان سیدالوصیین است. از فرزندان حسین نه نفرند که نهمین آنها قائم از فرزندان من است؛ طاعت ایشان طاعت من و معصیت و مخالفت با ایشان، معصیت و مخالفت با من است. از کسانی که فضیلت ایشان را انکار و احترامشان را بعد از من ضایع می نمایند به سوی خدا شکایت می کنم. در ولایت کارها و نصرت عترت من و امامان امت من، خداوند کفایت می کند؛ او انتقام گیرنده است از کسانی که حق آنها را انکار نمایند:

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ<sup>2</sup>

ص: 36

---

1- صدوق، الخصاص، ص 475؛ همو، کمال الدین، ص 262؛ خزاز قمی، کفایه الاثر، ص 46؛ مفید، الاختصاص، ص 207-208؛ مجلسی بحار الانوار، ج 36، ص 360؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج 2، ص 44، 316.

## فصل دهم: میوه درخت نبوت

جابر می گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله در عرفات بود و علی علیه السلام روبه روی آن حضرت قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به من و علی علیه السلام اشاره فرمود و ما خدمت او رفتیم، پس فرمود: «یا علی! نزدیک من بیا». علی علیه السلام نزدیک رفت؛ فرمود: «دستت را در دست من بگذار!»، سپس فرمود: «یا علی! من و تو از یک درختیم، من اصل و ریشه آن و تو فرع آن و حسن و حسین شاخه های آن؛ هرکس به یکی از شاخه های آن متعلق گردد خدا او را داخل بهشت نماید. یا علی! اگر امت من روزه بگیرند به قدری که مثل کمان ها خمیده شوند و نماز بخوانند به قدری که مثل میخ ها خشک و بی حرکت گردند اما تو را دشمن بدانند، خداوند آنها را به رو در آتش اندازد».<sup>(1)</sup>

گنجی شافعی از خطیب بغدادی در تاریخ از علی علیه السلام روایت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «درختی است که من ریشه و اصل آن، و علی فرع آن، و

ص: 37

---

1- جوینی خراسانی، فرائد السمطين، ج 1، ص 51، ح 16؛ خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، ج 1، ص 108، فصل 6؛ ابن طاووس، الطرائف، ص 266؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج 1، ص 270.

حسن و حسین ثمره و میوه آن، و شیعه برگ آن هستند؛ پس آیا بیرون می شود از پاکیزه و طیب غیر از طیب و پاکیزه؟» (1).

یعنی: فرع، میوه و برگ درخت پاک، پاک و طاهر می باشد.

نظیر این حدیث را نیز از ابوامامه باهلی روایت کرده است. (2)

ص: 38

---

1- گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص 220.

2- گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص 317.

## فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله

ابن اثیر(1) و سبط ابن جوزی(2) و طبری(3) نقل کرده اند که: وقتی سرهای شهدا را نزد ابن زیاد آوردند با شمشیر یا چوب به لب های مبارک حسین علیه السلام می زد؛ زید بن ارقم وقتی دید ابن زیاد، دست از این بی ادبی برنمی دارد، گفت: چوبت را بگیر! قسم به آن کسی که غیر از او خدایی نیست! من در زمانی طولانی می دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله میان این دو لب را می بوسید. زید گریست و ابن زیاد با او درشتی کرد و او را به کشتن تهدید نمود و گفت: خدا چشمانت را بگریاندا! اگر پیر خرفتی نبودی گردنت را می زدم.

زید از مجلس ابن زیاد برخاست، و می گفت: مردم! شما از این پس بندگانید (یعنی باید غلام و بنده بنی امیه و کارگزاران آنها باشید)، پسر فاطمه علیها السلام را کشتید و پسر مرجانه را زمامداری و حکومت دادید. به خدا نیکان شما را می کشند، و بدان شما را بنده می سازند. پس دور باد از عزّت،

ص: 39

---

1- ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 81؛ همو، اسدالغابه، ج 2، ص 21.

2- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 231.

3- طبری، تاریخ، ج 4، ص 349.

آن کسی که راضی به ذلت و عار گردد. سپس بازگشت و به ابن زیاد گفت:

حدیثی برای تو بگویم که خشم تو از آن بیشتر شود: دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله حسن را بر پای راستش نشانده بود، و حسین را بر پای چپ، پس دست خود را بر سر آنها گذارد و گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَدْعُكَ أَيُّهَامَا وَصَالِحَ الْمُؤْمِنِينَ»؛<sup>(1)</sup>

«خدایا! من این دو و صالح المؤمنین (علی) را نزد تو ودیعه و سپرده گذاردم».

پس ودیعه رسول خدا در نزد تو چگونه است ای پسر زیاد؟».

ابن زیاد به خشم آمد و تصمیم به قتل زید گرفت.

ص: 40

---

1- ابن نما حلی، مشیرالاحزان، ص 72؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 118؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ص 385.

پیغمبر صلی الله علیه و آله این گونه در حق علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام دعا کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ جَعَلْتَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَمَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَإِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَمَغْفِرَتَكَ، وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ (يَعْنِي: عَلِيًّا، وَفَاطِمَةَ، وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا)؛ (1)

«خدایا! تو قرار دادی صلوات، رحمت، مغفرت و خشنودی ات را بر ابراهیم و آل ابراهیم. خدایا! ایشان (یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) از من اند، و من از ایشان هستم. پس صلوات، رحمت، آمرزش و خشنودی ات را بر من و بر آنها قرار بده».

### حسین یعنی چه ؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی روایت کرده که چون خدا آدم را آفرید، در سمت راست عرش، پنج شَبَّح در نور دید که در سجده و رکوع هستند. آدم پرسید: «این پنج شَبَّح که در هیبت و صورت من اند چه کسانی هستند؟».

ص: 41



خطاب شد: «اینان پنج تن از فرزندان تو هستند که پنج نام برای آنها از نام های خود مشتق کرده ام و اگر برای ایشان نبود بهشت و جهنم، عرش و کرسی، آسمان و زمین، فرشتگان و آدمیان و جنیان را نمی آفریدم؛ پس من محمودم، و این محمد است؛ من عالی هستم، و این علی است؛ من فاطرم، و این فاطمه است؛ من احسانم، و این حسن است؛ من محسنم و این حسین است. به عزّتم، سوگند یاد نموده ام که هرکس ذره ای از کینه ایشان را در دل داشته باشد او را داخل آتش می کنم. ایشان برگزیدگان من هستند، به ایشان نجات می دهم، و به ایشان هلاک می نمایم. هر وقت حاجتی داری به این پنج تن متوسّل شو». پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مایم کشتی نجات! هرکس به آن متعلّق شود نجات یابد و هرکس از آن برگردد هلاک گردد».(1)

در روایتی دیگر سلمان فارسی از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند برای ما نام هایی از نام های خویش مشتق ساخت؛ پس خداوند - عزّوجلّ - محمود است و من محمدم، و خداوند اعلی است، و برادرم علی است و خداوند فاطر است، و دخترم فاطمه است، و خداوند محسن است و دو پسر من حسن و حسین می باشند».(2)

ص: 42

1- مغربی، شرح الاخبار، ج 2، ص 500-501؛ بحرانی، غایه المرام، ج 1، ص 25-26؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 27، ص 5؛ امینی، الغدیر، ج 2، ص 300.

2- جوینی خراسانی، فرائدالسمطین، ص 41، ح 5. این گونه احادیث ممکن است اشاره به مقام کمال پنج تن و خمسۀ طیبه باشد و اینکه آنها مؤدّب به آداب الهی، و مربّی به تربیت ربوبی هستند و به اخلاق الهی تخلّق دارند و چنان که نام، انسان را به مسمّی می رساند، آنها نیز که اسم های حق و مشتق از نام های او هستند ما را به خدا هدایت می کنند و همچنین دلالت بر ارتباط آنها با عوالم غیب دارد، و در روایات است که «نَحْنُ وَاللّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى». عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 42؛ کلینی، الکافی، ج 1، ص 143 144؛ فیض کاشانی، تفسیرالصفای، ج 2، ص 255. و اگرچه همه موجودات به این معنا اسم های حق هستند اما این پنج نور مقدس، مقام شامخ دیگری دارند و دلالت آنها بر مسمّی، اظهر و ابین است و اما اینکه چرا این پنج نور هرکدام مخصوص به اسمی شده اند؛ شرحش از حوصله این کتاب خارج است.

حسن و حسین علیهما السلام وارث کمالات علمی، روحی، اخلاقی و جسمی پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند. مردم در سیما، رفتار و روش آنها، پیغمبر صلی الله علیه و آله را می دیدند و عظمت و روحانیت او را تماشا می نمودند. وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهما السلام کانون مهر، شفقت، نوازش، لطف و رحمت پدرانه بود. آنها را دوست می داشت و می بویید و می بوسید؛ زبانشان را می مکید و بر دوش مبارک خویش سوارشان می کرد. خود از آنها پرستاری می فرمود؛ آنها را پسر خود می خواند، از گریه آنها ناراحت می شد؛ آنها را روی سینه خود می خوابانید و از شنیدن نامشان لذت می برد. در کوچه، در خانه، در مسجد، در حضور صحابه و مردم، در هنگام سخنرانی و خطبه و در حال نماز، حسنین علیهما السلام مشمول مراحم مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند.

اخباری در کتب معتبر اهل سنت است که حکایت از این عواطف پاک دارد. این مهربانی ها در عین حال که نمونه ای از تواضع و فروتنی فوق العاده و سادگی زندگی پیغمبر صلی الله علیه و آله با عظمت اسلام بود، تمرکز عواطف شدید پدرانه او را در حسنین و فاطمه زهرا علیهم السلام نشان می داد. این عواطف از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صادر می شد، که در اوج کمالات و در حد اعتدال و استقامت بود.

محبت و رضا هیچ گاه او را بر آن نمی داشت که از سخن راست و حقیقت، کلمه ای بیشتر بگوید و همین راست گویی، دلیل کمال لیاقت، صلاحیت و شایستگی حسنین علیهما السلام بود؛ زیرا تعبیراتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در حق آنها می فرمود و اوصافی که در حق آنها می گفت تنها از عواطف و احساسات پدران بر نمی آمد و معلوم بود که ایشان در سیمای آنها یک سر الهی مشاهده می کند.

میزان اعتدال

برحسب احادیث شریفه ثقلین، احادیث امان، احادیث سفینه و احادیث بسیار دیگر (1) حسن و حسین علیهما السلام وارث علوم پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و هریک در عصر خود، رهبر حقیقی امت اسلام و حافظ آفتاب جهان تاب شرع بودند.

یکی از صفات برجسته امام، وصی و جانشین پیغمبر همین است که میزان تعادل و اعتدال امور باشد. امام در حقیقت، مرکزی است که واماندگان راه حقیقت و کُندروها به آن سو سوق داده می شوند تا عقب نمانند و فاصله آنها با امام، که پیشرو قافله خداپرستان است، زیاد نشود و تندروهای افراطی به آن مرکز برگردانده می شوند تا شتاب خارج از حد، سبب گمراهی آنها نگردد. (2) و این است حقیقت معنای کلام پیغمبر صلی الله علیه و آله در ذیل بعضی از احادیث صحیحه ثقلین:

ص: 44

---

1- ر. ک: امان الأمه من الضلال و الاختلاف، اثر نگارنده که در اثبات حجیت فقه شیعه، و وجوب رجوع به احادیث امامیه در احکام نوشته ایم و آن احادیث را ذکر کرده و صحت اسناد و دلالت آنها را واضح و آشکار ساخته ایم.

2- نهج البلاغه، خطبه 2 (ج 1، ص 30)، حکمت 109 (ج 4، ص 26).

«فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتُهْلِكُوا وَلَا تَقْصُرُوا عَنْهُمَا فَتُهْلِكُوا وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»؛ (1)

«بر قرآن و عترت مقدم نشوید که هلاک می گردید و از آنها عقب نیفتید که هلاک می شوید و به عترت چیزی نیاموزید؛ زیرا آنها از شما داناترند».

پس حسین علیه السلام بی تردید وارث علم و کمال پیغمبر صلی الله علیه و آله است و همه مردم به علم و دانش او محتاج هستند.

### ارثیه پیامبر صلی الله علیه و آله

برحسب روایات متعددی که در کتاب های معتبر نقل شده، فاطمه زهرا علیها السلام در هنگامه موت پدر، حسن و حسین علیهما السلام را نزد آن حضرت آورد و عرض کرد: «یا رسول الله! این دو پسران تو هستند آنها را به بخشش و عطایی مخصوص فرما، یا به آنها چیزی به ارث عطا کن!».

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به حسن عظمت و بردباری می بخشم، و به حسین جود و مهربانی» (2).

و در روایتی دیگر فرمود: «به این بزرگ (یعنی حسن) مهابت و حلم بخشیدم و به آن کوچک (یعنی حسین) محبت و رضا» (3). در حدیثی دیگر

ص: 45

---

1- طبرانی، المعجم الكبير، ج 5، ص 168؛ ابن حجر هيثمي، الصواعق المحرقة، ص 150، 228 متقی هندی، کنز العمال، ج 1، ص 188.

2- زرندی، نظم درالسمطين، ص 212؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 13، ص 670.

3- زرندی، نظم درالسمطين، ص 212.

فرمود: «اَما حسن، پس هیبت و آقایی من برای اوست، و اَما حسین، پس جود و جرئت من برای او می باشد».(1)

این احادیث، گوشه ای از کمالات و خلیاتی که حسن و حسین علیهما السلام از جدّ بزرگوار خود به ارث برده اند را نشان می دهند.

سرّ این تعبیرات به روش های خاصّ حسن و حسین، چگونگی رهبری و برنامه های آنها و تصدیق روش هر دو است تا مردم بدانند که سرچشمه و منبع این دو روش، بر اساس مأموریت های دینی و تکالیف خاصّی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله با وحی الهی آن دورا به این مأموریت و تکلیف مکلف ساخته است. هر دو روش از روش پیغمبر صلی الله علیه و آله و سیره او جدا نمی باشد؛ از این روست که حسن و حسین علیهما السلام جامع تمام کمالات اخلاقی، وارث جدّ و پدر و حافظ دین و قرآن مقدس بوده اند.

ص:46

---

1- گنجی شافعی، کفایه الطالب، ص 424؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 129؛ زرنندی، نظم درالسمطین، ص 212؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 8، ص 158؛ ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص 191.

یکی از معجزات بزرگ، روشن و غیرقابل انکار پیغمبر صلی الله علیه و آله پیشگویی ها و خبرهایی است که آن حضرت از حوادث آینده داده است. (1) معتبرترین اسناد و مدارک تاریخی، این پیشگویی ها را حفظ کرده اند و هرکس با تاریخ اسلام آشنا شود در حقیقت این اخبار شبهه و تردید نمی نماید.

یکی از خبرهای غیبی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبرهایی است که از شهادت سیدالشهدا علیه السلام داده است. علاوه بر آن همه احادیثی که از طرق متعدّد شیعه روایت شده، در تواریخ و کتب حدیث و تراجم اهل سنت نیز، روایات بسیاری آمده است. این گزارش های تاریخی و احادیث وارد در این کتب، یقینی بودن اخبار غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید و اثبات می نمایند. مهمتر آنکه این احادیث از نظر معنا و مضمون در حدّ تواتر، بلکه مافوق تواترند. اکنون برخی از این احادیث را ذکر می کنیم:

ص: 47

---

1- بعد از نوشتن این فصل، مقاله ای از دانشمند فیزیکیان «رابرت موریس پیچ» تحت عنوان «یک آزمون نتیجه بخش» در کتاب اثبات خدا (ص 25) به نظر رسید که وجود خدا را بر اساس پیشگویی های پیامبران اثبات نموده است. اگر این مرد دانشمند که دارای 37 اختراع ثبت شده است و موفق به دریافت جایزه های باارزش علمی گردیده، از تاریخ اسلام و پیشگویی های پیغمبر و ائمه علیهم السلام آگاهی داشت؛ ایمانش به خدا استوارتر می شد.

احمد بن حنبل از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

«لَقَدْ دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ مَلَكٌ لَمْ يَدْخُلْ عَلَيَّ قَبْلَهَا فَقَالَ لِي: إِنَّ ابْنَكَ هَذَا حُسَيْنًا مَقْتُولٌ، وَإِنْ شِئْتَ أَرَيْتُكَ مِنْ تُرْبِهِ الْأَرْضِ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا قَالَ: فَأَخْرَجَ تُرْبَهُ حَمْرَاءً»؛ (1)

«در خانه فرشته ای بر من وارد شد که پیش از این بر من وارد نشده بود، گفت: «این پسر حسین مقتول است و اگر بخواهی، تربت آن زمینی که در آن کشته می شود را به تو نشان می دهم، پس خاک سرخی را بیرون آورد».

### صبور باش!

آن گاه که علی علیه السلام به صفین می رفت، از کربلا گذر کرد. به محاذی نینوا که دهی در کنار فرات است رسید، ایستاد و از نام آن زمین پرسید؛ گفته شد: «کربلاست». پس گریست آن قدر که زمین از اشک چشمانش تر شد و (به روایت عبدالله بن یحیی از پدرش که در التزام رکاب علی علیه السلام بود) فرمود:

«صَبْرًا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَبْرًا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ»؛ (2)

«صبور باش ای اباعبدالله، صبور باش ای اباعبدالله، بر کنار فرات».

پس فرمود: وارد شدم بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در حالی که آن حضرت گریه می کرد؛

ص: 48

1- ابن حجر هیتمی، الصواعق المنحرقة، ص 192؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج 11، ص 406؛ ج 27، ص 266.

2- طبری، ذخائرالعقبی، ص 148.

از سبب گریه پرسیدم، فرمود:

كَانَ عِنْدِي جِبْرِيلُ آيْئاً وَأَخْبَرَنِي أَنَّ وَلَدِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِشَاطِئِ (بِسَطِّ) الْفُرَاتِ بِمَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَا ثُمَّ قَبَضَ جِبْرِيلُ قَبْضَهُ مِنْ تُرَابِ شَمْنِي  
إِيَّاهَا فَلَمْ أَمْلِكْ عَيْنِي أَنْ فَاصَّتَا؛(1)

«جبرئیل هم اکنون نزد من بود و مرا خبر داد که فرزندم حسین در کنار فرات کشته می شود در موضعی که به آن کربلا گفته می شود. پس جبرئیل یک مشت از خاک قبض کرد و به مشام من رسانید، پس نتوانستم دیدگانم را از ریختن اشک نگاه دارم».

## اینجا کربلاست

چون حسین علیه السلام به زمین کربلا رسید، پرسید: «این زمین چه نام دارد؟». گفتند: «کربلا، و نینوا هم به آن گفته می شود که نام دهی است در آن».

حسین علیه السلام گریست و فرمود: «کرب است و بلاء. امسلمه به من خبر داد که جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و تو با من بودی پیغمبر فرمود: «پسرم را رها کن»، پس تو را گرفت و در دامن خود گذارد. جبرئیل گفت: «او را دوست می داری؟» فرمود: «آری!».

گفت: «امت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی زمینی را که در آن

ص: 49

---

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 10، ص 429؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 225؛ ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص 193؛ مرعشی نجفی، شرح احقاق الحق، ج 11، ص 374؛ ج 19، ص 377.



کشته می شود به تو نشان می دهم!» پس جبرئیل زمین کربلا را به پیغمبر صلی الله علیه و آله نشان داد.

چون به حسین علیه السلام گفته شد اینجا زمین کربلاست آن را بویید و فرمود: «این است زمینی که جبرئیل به پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داد که من در آن کشته می شوم» (1).

### تربت خونین

یعقوبی می نویسد: اولین کسی که بانگ ناله اش در مصیبت حسین علیه السلام در مدینه بلند شد، امّسلمه، همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله شیشه ای را که در آن تربتی قرار داشت به او داد و فرمود: «جبرئیل به من اعلام کرده که امت من حسین را می کشند» و این تربت را به من داد. آن گاه به امّسلمه فرمود: «وقتی این خاک به خون تازه تبدیل گردید، بدان که حسین کشته شده است». آن خاک نزد امّسلمه بود (تا وقتی که حسین به عراق حرکت کرد). امّسلمه همواره در آن نظر می کرد وقتی دید آن خاک، خون شده، فریاد زد: «وَاحْسِينَاهُ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ».

زن ها از هر سو بانگ شان به ناله بلند شد تا آنکه مدینه پر از شیون و ضجه گردید به طوری که مانند آن هرگز شنیده نشده بود. (2)

ص: 50

---

1- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 225.

2- یعقوبی، تاریخ، ج 2، ص 245-246.

1. قرآن كريم.
2. نهج البلاغه، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دارالمعرفه، 1412 ق.
3. الاختصاص، مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق.
4. الادب المفرد، بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، بيروت، مؤسسه الكتب الثقافيه، 1406 ق.
5. الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق.
6. الاستيعاب فى معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبى (م. 463 ق.)، تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دارالجيل، 1412 ق.
7. اسدالغابه فى معرفه الصحابه، ابن اثير جزرى، على بن محمد (م. 630 ق.)، تهران، انتشارات اسماعيليان.
8. الاصابه فى تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. 852 ق.)، تحقيق عادل احمد عبدالموجود على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1415 ق.
9. الامالى، طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، تحقيق مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه، 1414 ق.

10. امان الامه من الضلال و الاختلاف، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، المطبعه العلمیه، 1397 ق.
11. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، مجلسی، محمدباقر (م. 1111 ق.)، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1403 ق.
12. البدایه و النهایه، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. 774 ق.)، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408 ق.
13. بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله لشیعه المرتضی علیه السلام، طبری، محمد بن ابی القاسم (م. 525 ق.)، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر اسلامی، 1420 ق.
14. بنات النبی، بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، بیروت، دارالکتب العربی، 1406 ق.
15. تاریخ الامم و الملوک، طبری، محمد بن جریر (م. 310 ق.)، تحقیق گروهی از دانشمندان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1403 ق.
16. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. 463 ق.)، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1417 ق.
17. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، علی بن حسن (م. 571 ق.)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1415 ق.
18. تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م. 292 ق.)، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
19. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین (م. 654 ق.)، قم، الشریف الرضی، 1418 ق.
20. تفسیرالصافی، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. 1091 ق.)، تحقیق حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، 1416 ق.
21. تفسیرالعیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود (م. 320 ق.)، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.

22. حفيده الرسول (لمحات من سيره السيده زينب)، شرباصى، احمد، مطابع الدارالقومية.
23. الخصال، صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق.
24. ذخائرالعقبى فى مناقب ذوى القربى، طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، القاهره، مكتبه القدسى، 1356 ق.
25. الذريه الطاهره النبويه، دولابى، محمد بن احمد (م. 310 ق.)، تحقيق سيد محمدجواد حسينى، قم، نشر اسلامى، 1407 ق.
26. ذكر اخبار اصبهان، ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله (م. 430 ق.)، ليدن المحروسه، مطبعه بريلى، 1934 م.
27. سبل الهدى و الرشاد فى سيره خيرالعباد، صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. 942 ق.)، تحقيق عادل احمدالموجود، على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1414 ق.
28. سموالمعنى فى سموالذات او اشعه من حياه الحسين، علايلى، عبدالله (م. 1997 ميلادى)، بيروت، دار مكتبه الترييه، 1351 ق.
29. سنن ابن ماجه، ابن ماجه قروينى، محمد بن يزيد (م. 275 ق.)، تحقيق محمدفؤاد عبدالباقي، دارالفكر.
30. سنن الترمذى، ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دارالفكر، 1403 ق.
31. شرح احقاق الحق، مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين (م. 1411 ق.)، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، 1409 ق.
32. شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، تحقيق سيد محمد حسينى جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق.

33. شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، عزالدين (م. 656 ق.)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، دار احياء الكتب العربيه، 1378 ق.
34. شرف المصطفى، ابو سعيد، عبدالملك بن محمد واعظ خرگوشى نيشابورى (م. 406 ق.)، تحقيق ابو عاصم نبيل بن هاشم غمرى آل باعلوى، مكه، دارالبشائر الاسلاميه، 1424 ق.
35. الصواعق المحرقة، هيثمى، احمد بن حجر (م. 947 ق.)، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، القايره، مكتبه القايره، 1385 ق.
36. الطبقات الكبرى، ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، بيروت، دار صادر.
37. الطرائف فى معرفه الطوائف، ابن طاووس، سيد على بن موسى (م. 664 ق.)، قم، مطبعه الخيام، 1399 ق.
38. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، 1407 ق.
39. غايه المرام و حجه الخصام، بحراني، سيد هاشم حسيني (م. 1107 ق.)، تحقيق سيد على عاشور.
40. الغدير فى الكتاب و السنه و الادب، امينى، عبدالحسين (م. 1392 ق.)، بيروت، دارالكتاب العربى، 1397 ق.
41. فتح البارى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. 852 ق.)، بيروت، دارالمعرفه.
42. الفتوح، ابن اعثم كوفى، احمد بن على (م. 314 ق.)، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الاضواء، 1411 ق.
43. فرائد السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمه من ذريتهم عليهم السلام، جوينى خراسانى، ابراهيم بن محمد (م. 730 ق.)، تحقيق محمدباقر، بيروت مؤسسه المحمودى، 1389 ق.
44. قرب الاسناد، حميرى قمى، عبدالله بن جعفر (م. 300 ق.)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1433 ق.

45. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1363 ش.
46. الكامل في التاريخ، ابن اثير جزري، علي بن محمد (م. 630 ق.)، بيروت، دار صادر، 1386 ق.
47. كشف الغمه في معرفه الائمه عليهم السلام، اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق.
48. كفايه الطالب في مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام، گنجي شافعي، محمد بن يوسف (م. 658 ق.)، تحقيق محمد هادي اميني، تهران، داراحياء تراث اهل البيت عليهم السلام، 1404 ق.
49. كفايه الاثر في النص على الائمه الاثني عشر عليهم السلام، خزاز قمي، علي بن محمد (م. 400 ق.)، تحقيق سيد عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق.
50. كمال الدين و تمام النعمه، صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1405 ق.
51. كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، متقى هندی، علي (م. 975 ق.)، تحقيق بكرى حياني، صفوه السقا، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409 ق.
52. كنوز الحقائق في حديث خير الخلائق، مناوي، عبدالرؤوف محمد بن علي (م. 1031 ق.)، مصر، شركه مكتبه و مطبعه المصطفى البابي الحلبي و اولاده.
53. لسان الميزان، ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م. 852 ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمي، 1390 ق.
54. مشير الاحزان، ابن نما حلي، محمد بن جعفر (م. 645 ق.)، النجف الاشرف، المطبعه الحيدريه، 1369 ق.
55. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هيثمى، علي بن ابي بكر (م. 807 ق.)، بيروت، دارالكتب العلميه، 1408 ق.
56. المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دارالمعرفه.

57. مسند ابويعلى الموصلى، ابويعلى موصلى، اسماعيل بن محمد (م. 307 ق.)، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث.
58. مسند ابي داوود الطيالسى، طيالسى، سليمان بن داوود (م. 204 ق.)، بيروت، دارالمعرفه.
59. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، شيبانى (م. 241 ق.)، بيروت، دارصادر.
60. المصنف فى الاحاديث والآثار، ابن ابي شيبه كوفى، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، تحقيق سعيد لحام، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
61. المعجم الصغير، طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، بيروت، دارالكتب العلميه.
62. المعجم الكبير، طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق.
63. مقتل الحسين عليه السلام، خوارزمى، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، تحقيق محمد سماوى، قم، مكتبه المفيد.
64. مناقب آل ابي طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن على (م. 588 ق.)، تحقيق گروهى از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبه الحيدريه، 1376 ق.
65. منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر عليه السلام، صافى گلپايگانى، لطف الله، تهران، مكتبه الصدر.
66. نظم درالسمطين فى فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين عليهم السلام، محمد بن يوسف (م. 750 ق.)، اصفهان، مكتبه الامام اميرالمؤمنين عليه السلام العامه، 1377 ق.
67. ينابيع الموده لذوى القربى، قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م. 1294 ق.)، تحقيق سيد على جمال اشرف حسيني، دارالاسوه، 1416 ق.

## آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه

ص: 57















(Opinion of the Sun (Az Nigahe Aftab

(Visage of Imam Husain (as) in traditions of the holy Prophet (pbuh

By Hazrat Ayatollah al Uzma Saafi Gulpaygani

Publishers Note

A lot has been said and heard about the movement of Imam Husain (as), the grandson of Hazrat Muhammad (pbuh) but if the profundity and recognition be through the traditions of the holy Prophet (pbuh), undoubtedly .would be more effective

This book deals with the importance and place of Imam Husain (as) near the holy Prophet Hazrat Muhammad (pbuh) in depth

.The book has been compiled in 14 chapters with these titles

Chapter1. Leader of the young

Chapter2. He is from me

(Chapter3. Fragrance of the Prophet (pbuh

(Chapter4. Condition for the friendship of the Prophet (pbuh

Chapter5. Criteria for heaven and hell

Chapter6. In the vicinity of sun

?Chapter7. Who will help him

Chapter8. Masters of heaven

(Chapter9. From the lineage of Husain (as

Chapter10. Fruit from the tree of Prophet hood

(Chapter11. Gift of the Prophet (pbuh

Chapter12. Prophet's prayer to God

Chapter14. Prophet's tears for Husain (as)"Opinion of the Sun" is another step in the re recognition and further acquaintance with Imam Husain (as), written by great Muslim scholar Ayatollah al Uzma Saafi, one .of the major Shia marjas who has composed more than 100 books about Islamic subjects

.We advise all those eager to acquire the teachings of the household, specially the youth to read the book

Centre for compilation and publication of

Hazrat Ayatollah al Uzma Saafi works



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

